

جایگاه آلت قتاله در حقوق کیفری ایران

حجت مبین

۱۳۰۴ چنین بیان می داشت: «هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که منتهی به موت مجنی علیه گردد، بدون اینکه مرتکب قصد کشتن را داشته باشد به حبس با اعمال شاقه از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد مشروط بر اینکه آلتی که استعمال شده قتاله نباشد و اگر آلت قتاله باشد مرتکب در حکم قاتل عمدی است» لازم به ذکر است ماده ۱۷۰ همان قانون مجازات قتل عمدی (قتلی که همراه قصد قتل باشد) را اعدام می داند. بنابر ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی سابق در ضرب و جرح عمدی منتهی به فوت آنچه موجب تمیز قتل عمد از غیر عمدی است قتاله بودن آلت است. قانونگذار در آن قانون نه تعریفی از آلت قتاله ارائه داده و نه به بیان مصادیق آن پرداخته بود. ولی رویه قضایی این مشکل را حل کرده بود.

در کنار آراء متعدد از شعب دیوان عالی کشور پس از تصویب این قانون در سال ۱۳۳۶ رأی وحدت رویه ای در این زمینه صادر گردید: «مقصود از کلمه آلت در ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی وسیله ای است که مرتکب به کار برده باشد و به مرگ منتهی شده است و اعم است از اینکه وسیله مزبور معمولاً کشتهنده باشد و یا آنکه از جهت حساس بودن موضع اصابت به مرگ منتهی شده باشد. محدود ساختن قسمت آخر ماده مزبور به مواردی که آلت عرفاً قتاله شناخته شود موافق با منظور ماده مربوط نیست.»^۵ البته باید متذکر شد قانونگذار به درستی این نوع قتل را در حکم عمد می داند زیرا

در قتل عمد عنصر روانی قصد عام و خاص است یعنی قصد فعل و قصد قتل ولی در این نوع قتل (موضوع ماده ۱۷۱) فقط قصد عام، (قصد قتل) وجود دارد.

توجیه فقهی - حقوقی عمد در بندهای

فقها و حقوقدانان قتل عمدی را به انحاء مختلفی تعریف کرده اند از جمله «از هاق نفس معصومه مکافئه عمداً و عدواناً»^۳ یا «سلب ارادی حیات از یک انسان زنده توسط انسان دیگر با شرائط پیش بینی شده در قانون»^۴ بند الف ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی ملاک قتل عمد را قصد قتل معرفی می کند که مصداق بارز و اصلی قتل عمدی است زیرا عنصر اراده به وضوح در آن قابل تشخیص است. بندهای ب و ج همین ماده به بیان دو نوع دیگر قتل عمد می پردازد که تشخیص عنصر اراده در آن نیاز به دقت بیشتری دارد. به عبارت دیگر ملاک قتل عمدی در بند ب و ج فعل نوعاً کشتهنده است. در این مقاله سعی شده است فعل نوعاً کشتهنده و مصادیق آن بررسی گردد و از این رو این بحث را در فقه امامیه، مواد قانونی، نظرات حقوقدانان، رویه قضایی و فقه عامه مورد تحلیل و بررسی قرار داده ایم.



پیشینه بحث در قانون ایران آنچه در بندهای ب و ج ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی فعلی آمده است در قانون مجازات عمومی سابق به گونه ای دیگر مطرح شده بود. ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی

چکیده

فعل نوعاً کشتهنده یا فعل یقتل به غالباً که ملاک قتل عمدی در بندهای ب و ج ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی است در جای خود بحثهای بسیاری بوجود آورده است. آنچه در این دو بند به عنوان عنصر روانی قتل عمدی در نظر گرفته شده است قصد قتل تبعی است یعنی قصد عملی که شخص قاتل، قتل مقتول را حتماً یا امکاناً پیش بینی می کرده است. ملاک تشخیص این قصد قتل تبعی بنابر نص همین ماده فعل نوعاً کشتهنده است که در تحلیل آن نظرات مختلفی وجود دارد ولی ما معتقدیم فعل نوعاً کشتهنده فعلی است که با آلت قتاله انجام گیرد. آلت قتاله آلتی است که غالباً به آن قصد قتل می شود و ممکن است ذاتاً، به علت حساسیت موضع اصابت، و وضعیت مقتول یا تکرار در ضرب قتاله باشد. در پایان نیز مختصراً نظرات فقهای عامه در این زمینه بررسی شده است.

مقدمه

قتل عمدی یکی از جرایمی است که جزء جرائم طبیعی قلمداد می شود و تمام قوانین الهی و بشری آن را مذموم و جزء جرائم درجه اول از حیث اهمیت به شمار آورده اند. قرآن کریم نیز قتل عمدی را به شدت نهی کرده است و مجازات دنیوی و اخروی برای مرتکب آن مقرر نموده است «و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاءه جهنم

خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدله عذاباً ألیماً»^۱ «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتل»^۲ قانون مجازات اسلامی هم ماده ۲۰۶ را به قتل عمدی اختصاص داده است. این ماده تعریفی از قتل عمدی ارائه نمی کند و فقط به بیان اقسام قتل عمدی می پردازد

کلید واژه ها:

آلت قتاله، قتل، ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی، فعل نوعاً کشتهنده، قصد قتل، ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی سابق

استفاده از آلت قتاله (یا انجام فعل نوعاً کشتهنده) دلالت بر قصد قتل ضمنی دارد و نمی توان قصد فعل را از قصد نتیجه جدا کرد.

گواهو

ب و ج ماده ۲۰۶

در توجیه عمد در بندهای ب و ج این ماده فقها و حقوقدانان معتقدند وجود فعل غالباً کشته‌شدن موجب عمدی دانستن قتل می‌گردد زیرا با این چنین اقدامی، شخص قاتل، قتل مقتول را حتماً یا امکاناً پیش بینی می‌کرده است و نوعی قصد قتل ضمنی (تبعی) را می‌توان در این موارد در نظر گرفت.

صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید: «لأنَّ القصد فعل المذنب قصد إلی القتل» یعنی قصد فعل کشته‌شدن قصد قتل است. اصولاً قصد قتل یک امر باطنی است لذا آلت قتاله دلیل روشن به وجود آن خواهد بود و انکار قصد قتل با وجود چنین قرینه‌ای مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

آیت اله فاضل هم در شرح تحریر الوسيله معتقدند در اینجا نمی‌توان فعل را از قصد نتیجه جدا کرد یعنی غایت و نهایت فعل نوعاً کشته‌شدن قتل است و نمی‌توان گفت قصد فعل وجود دارد ولی قصد قتل وجود ندارد زیرا قتل نتیجه چنین فعلی (فعل غالباً کشته‌شدن) است.^۷ در حقوق کامن لاین نیز در بیان رکن معنوی قتل عمدی آمده است و وجود قصد اعم از اینکه به صورت صریح یا ضمنی باشد. منظور از قصد قتل صریح همان قصد قتل است و منظور از قصد قتل ضمنی، قصد ایراد صدمه بدنی شدید یا انجام فعلی است که حتماً یا امکاناً، وقوع قتل در اثر آن پیش بینی شود.^۸

نظرات پیرامون تطبیق آلت قتاله و فعل نوعاً کشته‌شدن

قانون فعلی در ماده ۲۰۶ به فعل نوعاً کشته‌شدن اشاره کرده است. سؤال اینجاست که «فعل نوعاً کشته‌شدن» چیست و آیا ارتباطی با آلت قتاله دارد؟

در این زمینه به طور کلی در میان حقوقدانان سه نظر وجود داد که به بررسی آنها می‌پردازیم:

الف) برخی حقوقدانان از جمله دکتر ولیدی معتقدند با توجه به قانون فعلی نمی‌توان از ملاک آلت قتاله برای تشخیص فعل نوعاً کشته‌شدن استفاده کرد^۹ زیرا:

- ۱- رأی وحدت رویه در مورد آلت قتاله مربوط به ماده ۱۷۱ ق.م.ع سابق است که این قانون اکنون نسخ شده است بنا بر این، رأی وحدت رویه هم نسخ شده است.

- ۲- قانونگذار در بندهای ب و ج صراحتاً بیان نموده است: «... عمداً کاری انجام دهد...» بنا بر این ملاک قتل عمدی را باید کار نوعاً

کشته‌شدن در نظر گرفت نه آلت قتاله.

- ۳- در بعضی موارد فعل، نوعاً کشته‌شدن نیست ولی آلت قتاله است. در چنین مواردی اگر ملاک قتاله بودن آلت را در نظر بگیریم باید قتل را عمدی دانست در حالیکه چنین نیست. به عنوان مثال وقتی مأمور زندان به سمت ساق پای زندانی در حال فرار شلیک می‌کند (با دادن سه بار ایست و تیر هوایی مطابق ماده ۳۸ آئین نامه قانون و مقررات اجرائی سازمان زندانها) ولی در همان لحظه زندانی می‌نشیند و گلوله به سر وی اصابت کرده و می‌میرد. در این مثال آلت قتاله است ولی قتل عمدی نیست.

بر این دلایل می‌توان ایراداتی وارد کرد و چنین پاسخ گفت:

اولاً اگرچه رأی وحدت رویه مزبور پیرامون ماده ۱۷۱ ق.م.ع سابق است که نسخ شده است ولی با دقت در رویه قضائی کنونی می‌توان دریافت که شعب مختلف دیوانعالی کشور کماکان تمایل دارند از ملاک سابق یعنی آلت قتاله استفاده نمایند. به عبارت دیگر شعب مختلف دادگاهها و دیوانعالی کشور فعل نوعاً کشته‌شدن مندرج در ماده ۲۰۶ ق.م.ع را فعلی می‌دانند که با آلت قتاله صورت گرفته باشد.

ثانیاً اگرچه ماده ۲۰۶ بیان نموده است: «... عمداً کاری انجام دهد...» ولی این مسأله منافاتی با ملاک قرار دادن آلت قتاله ندارد بلکه تأکیدی است بر اینکه عنصر مادی قتل مثبت است و ترک فعل را شامل نمی‌شود.

ثالثاً در مثال مورد نظر آنچه موجب می‌شود قتل عمدی نباشد نص قانونی و مجوزی است که قانون به مأمور زندان می‌دهد و در حقیقت موردی استثنائی است و قابل تعمیم به سایر موارد نمی‌باشد. یعنی اگر فردی با گلوله به پای دیگری بزند و منجر به فوت وی شود قتل عمدی است و حتی مأمور زندان هم اگر مقررات قانونی را رعایت نکند عمل وی قتل عمد خواهد بود.

رابعاً با توجه به اینکه ماده ۲۰۶ مستنبط از فقه امامیه است و در منابع فقهی بسیاری از فقها از آلت قتاله بحث کرده اند می‌توان گفت استفاده از این ملاک منطبق بر شرع هم می‌باشد.

ب) دسته دیگری از حقوقدانان از جمله دکتر امیرخان سپه‌وند و دکتر هوشنگ شامبیاتی معتقدند آنچه مدنظر قانونگذار در بند ب ماده

۲۰۶ بوده همان مفهوم آلت قتاله است.^{۱۰} زیرا آنچه در این ماده بیان شده است قتل شبه عمد است (قصد فعل بدون قصد نتیجه) ولی آنچه موجب اتصاف این نوع قتل به وصف عمدی می‌شود قتاله بودن آلت است.

ج) دکتر محمد هادی صادقی معتقدند بند ب و ج ماده ۲۰۶ از مصادیق قصد تبعی (در مقابل قصد ابتدائی - قصد قتل) می‌باشد. ایشان هر دو ملاک را می‌پذیرند یعنی هم ملاک آلت قتاله و هم ملاک کار نوعاً کشته‌شدن را، ولی عقیده دارند ملاک اصلی کار نوعاً کشته‌شدن است و اگر آلت قتاله باشد ولی کار نوعاً کشته‌شدن نباشد، قتل عمدی نیست. ایشان برای اثبات این نظریه دلایل زیر را مطرح می‌کنند:

- ۱- عمده فقها در تألیفات خود «فعل غالباً کشته‌شدن» (فعل یقتل به غالباً) را حاکی از قصد نتیجه دانسته اند نه آلت قتاله را.

- ۲- توجه به برخی آراء دیوانعالی کشور با این مضمون که منظور از آلت قتاله و مناط در قتاله بودن آلت استعمال آن است بطوریکه نوعاً و غالباً ولو به اعتبار موضع جرح دارای این اثر باشد. که بیانگر این نکته است که ملاک فعل است نه آلت.

- ۳- ظاهر ماده ۲۰۶ به صراحت اشاره به فعل غالباً کشته‌شدن دارد.

- ۴- قانونگذار نیز استفاده از سلاح را در همه موارد دلالت بر وجود قصد ندانسته و در این مورد می‌توان به ماده ۳۸ آئین نامه قانون مقررات اجرائی سازمان زندانها مصوب ۷۲/۳/۳۰ اشاره کرد که چنین اشعار می‌دارد: «اگر زندانی مبادرت به فرار نماید نگهبان موظف است ضمن استمداد از اطرافیان با تمام قوا او را تعقیب نموده و چنانچه با بکار بردن تمام تلاشهای ممکن موفق به دستگیری او نشود سه مرتبه با صدای بلند و رسا ایست داده و هرگاه باز هم توقف ننموده با رعایت جوانب و توجه به اینکه باعث قتل یا جرح کسی نگردد با استفاده از اسلحه و خالی کردن تیر هوایی و در مقام ناچار با نشانه گیری ساق پای زندانی از فرار او جلوگیری نماید.» ایشان اعمال غالباً کشته‌شدن را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

- ۱- اعمال مطلقاً قتاله مثل انفجار بمب، پرتاب دیگری از بنای مرتفع

- ۲- اعمال قتاله نسبی مشتمل بر دو قسمت الف) به خاطر شخصیت مجنی علیه مثل پرتاب کردن طفل از ارتفاع کم ب) کشته‌شدن



جایگاه آلت قتاله در حقوق کیفری ایران

رویه قضایی ما فعل نوعاً کشته‌شدن را فعلی می‌داند که با آلت قتاله انجام گرفته است اگرچه نامی از آلت قتاله در قوانین فعلی ما نیامده است.

بودن فعل در شرایط خاص مثل انداختن دیگری در آب در هوای سرد بر این نظریه نیز می توان ایراداتی وارد کرد:

۱- آنچه اشاره شد که فقهای امامیه در تعیین فعل نوعاً گشونده به قصد توجه دارند نه آلت عمومیت ندارد. شهید ثانی در شرح لمعه و مسالک، مرحوم محقق حلی در شرائع الاسلام و آیت اله فاضل در شرح تحریر الوسیله به آلت قتاله توجه نموده اند. البته نظر مخالف هم وجود دارد از جمله نظر

سیدعلی طباطبائی در ریاض المسائل: «لأن العمد یتحقق بقصد لغة و عرفاً من غیر النظر ألی الاله»^{۱۲}

۲- رأی مورد نظر جناب دکتر صادقی از سوی شعبه دوم و در سال ۱۳۱۸ یعنی زمان حاکمیت ماده ۱۷۱ ق.م.ع سابق صادر شده است و ناظر به قتاله بودن آلت بخاطر حساسیت موضع است نه ملاک قرار دادن فعل نوعاً گشونده به جای قتاله بودن آلت.^{۱۳}

۳- اگر چه قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۰۶ به کار نوعاً گشونده اشاره کرده است ولی استفاده از ملاک قتاله بودن آلت در واقع تفسیری است که رویه قضائی ما از کار نوعاً گشونده ارائه کرده است و تناقضی با خود ماده ندارد.

۴- در مورد ماده ۳۸ آئین نامه مزبور هم باید گفت که آنچه در این قانون (با برخی قوانین مشابه مثل قانون بکارگیری سلاح ویژه ضابطین دادگستری) آمده است مختص این مأموران با رعایت مقررات و حالتی استثنائی است. بنابراین آنچه بیان شد به نظر می رسد نظر دوم، نظری پسندیده تر و قابل قبول تر باشد.

آلت قتاله

با توجه به آنچه بیان شد ضرورت تعریف و بررسی «آلت قتاله» در نظام حقوقی ما کاملاً مشخص می گردد، هر چند در قوانین فعلی ما نامی از این بحث به میان نیامده است.

محقق حلی در شرائع الاسلام آلت قتاله را چنین تعریف می کند: «آله مما یقصد به القتل غالباً»^{۱۴} (وسایلی که غالباً به آنها قصد قتل می شود) در پزشکی قانونی عوامل ایجاد کننده ضرب و جرح را به سه دسته تقسیم می کنند^{۱۵}:

- ۱- عوامل طبیعی: اعضای بدن انسان دست، پا، دندان و....
- ۲- وسائل اتفاقی: شاخه درخت، سنگ، چوب، بشقاب، آچار، داس،



۳- وسائلی که از قبل جهت قتل و جرح آماده شده اند که این دسته آلت قتاله ذاتی می باشند که به آنها اشاره خواهد شد.

انواع آلت قتاله

۱- آلت قتاله ذاتی: همانگونه که اشاره شد آلت قتاله ذاتی، آلتی است که برای قتل استفاده می شود و استفاده از آنها غالباً به مرگ منتهی می شود. در پزشکی قانونی آلت قتاله ذاتی را به هفت گروه تقسیم می نمایند:^{۱۶}

- * اجسام سخت مثل گرز، چماق
- * اسلحه آتشین: انواع سلاحهای کمری، جنگی، شکاری.
- * مواد شیمیایی: انواع سموم کشنده.
- * مواد منفجره.
- * عوامل فیزیکی: سرمازدگی، برق گرفتگی، سوختگی.
- * اجسام برنده که خود به چهار دسته تقسیم می شود

- اشیاء نوک تیز: پیکان، نیزه، درفش.
- اشیاء برنده: شمشیر، تیغ.
- اشیاء برنده و سنگین: ساطور، تبر.
- اشیاء برنده و نوک تیز: کارد، چاقو، سرنیزه.
- البته منظور کارد و چاقو انواعی است که عمدتاً جهت ضرب و جرح مورد استفاده قرار می گیرند نه چاقوی پوست کندن میوه.

* عوامل روانی: ترساندن شدید، شوک های روانی و عاطفی.

۲- آلت قتاله به خاطر حساسیت موضع اصابت

همانگونه که در ابتدای سخن اشاره شد هیئت عمومی دیوانعالی کشوری یک رأی وحدت رویه در سال ۱۳۳۶ چنین اظهار نظر می کند که: «مقصود از کلمه آلت در ماده ۱۷۱ وسیله ای است که مرتکب به کار برده و به مرگ منتهی شده و اعم است از اینکه وسیله مزبور معمولاً کشنده باشد یا آنکه از جهت حساس بودن موضع اصابت به مرگ مجنی

علیه منتهی شده باشد...»

این رأی وحدت رویه به آلت قتاله ذاتی و آلت قتاله به خاطر حساسیت موضع اصابت نظر دارد. در پزشکی قانونی کنار گردن، سینه، بالای ناف، بیضه ها در مردان و مهبل در زنان، تمام سر را مواضع حساس می شمارند و در مورد برخی مواضع مثل کشاله ران اختلاف نظر وجود دارد.

برخلاف ملاک تشخیص قتاله بودن که نظر دادگاه است در تشخیص مواضع حساس ملاک نظر کارشناسان (پزشکی قانونی) است. این مسئله در برخی آراء دیوانعالی کشور به چشم می خورد.

شعبه دوم دیوانعالی کشور در چند رأی خود چنین اظهار نظر می نماید: «تشخیص حساس بودن یا غیرحساس بودن موضع اصابت امری است فنی و تشخیص آن از صلاحیت دادگاه خارج است بنابراین در مواردی که آلت نوعاً قتاله نیست و فقط بر حسب موضع اصابت ممکن است قتاله تشخیص داده شود جلب نظر کارشناس ضروری است»^{۱۷}

و شعبه پنجم دیوانعالی کشور نیز در رأی چنین اظهار نظر می نماید: «تشخیص قتاله بودن آلت به نظر دادگاه است»^{۱۸}

نکته ای که با بررسی آراء دادگاهها در مورد مواضع حساس بدست می آید این است که در حساسیت موضع نوع آلت نیز دخیل است. شعبه دوم دیوانعالی کشور در سال ۱۳۱۷ ضربه با دسته تبر به پهلو را که منجر به فوت شده، قتاله ندانست (پهلو را موضع حساس تشخیص نداد) ولی همان شعبه در پرونده ای دیگر ضربه چاقو (که آلت قتاله ذاتی نبوده) به پهلو را به اعتبار حساسیت موضع اصابت قتاله تشخیص داد.^{۱۹}

سؤال دیگری در اینجا مطرح میشود که آیا علم فرد به حساس بودن موضع یا قتاله بودن آلت اهمیت دارد؟

برخی فقها از جمله آیت اله فاضل معتقدند علم به قتاله بودن شرط است زیرا کشنده بودن فعل جایگزین قصد قتل می شود بنابراین علم به کشنده بودن فعل از سوی متهم لازم است.^{۲۰}

رویه قضائی در این مورد نظری کاملاً برعکس دارد. شعبه دوم دیوانعالی کشور در سه پرونده مشابه چنین اظهار نظر نموده است: «علم متهم در حساس بودن موضع شرط نیست یعنی اطلاع یا عدم اطلاع ضارب در حساس بودن موضع در نظر دادگاه علی السویه است»



جایگاه آلت قتاله در حقوق کیفری ایران

در میان مذاهب اهل سنت، نظرات مذاهب شافعی و حنبلی در مورد آلت قتاله به فقه امامیه نزدیکتر است.

آلت قتاله ممکن است ذاتاً به خاطر حساسیت موضع اصابت، وضعیت خاص مجنی علیه یا تکرار در ضربه قتاله باشد.

گواه

□ پانویست ها :

- ۱- (سوره نساء، ۹۳)
- ۲- (سوره بقره ۱۷۸)
- ۳- (محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۴ ص ۱۹۵)
- ۴- (دکتر امیرخان سپه‌وند، تقریرات حقوق جزای اختصاصی، نیمسال دوم ۸۳-۸۲)
- ۵- (رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور شماره ۴۶۶۸ مورخ ۱۳۳۶/۹/۲۷)
- ۶- (شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۲ ص ۱۲)
- ۷- (آیت اله فاضل موحد لنگرانی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، کتاب القصاص ص ۱۸)
- ۸- (حجت اله ذاکری، بررسی و تحلیل قتل عمد و مجازات آن در اسلام، ص ۱۵۲)
- ۹- (دکتر محمد صالح ولیدی، حقوق جزای اختصاصی ج ۲ ص ۶۷)
- ۱۰- (دکتر امیرخان سپه‌وند، همان، دکتر هوشنگ شامبیانی، حقوق جزای اختصاصی ج ۱ ص ۱۲۹)
- ۱۱- (دکتر محمد هادی صادقی، جرائم علیه اشخاص ص ۱۱۷-۱۱۵)
- ۱۲- (سید علی طباطبائی، ریاض المسائل، ج ۲ ص ۵۰۰)
- ۱۳- (این رأی بر این موضوع دلالت دارد که: اگر هم چاقو نوعاً قتاله نباشد در ایراد ضرب به پهلوی کسی که منجر به فوت شود بر حسب موضع اصابت قتاله محسوب میشود؛ رأی شماره ۵۸۸ شعبه ۲ دیوانعالی کشور سال ۱۳۱۸، محمد تقی امین پور، مستشار دیوان کیفر، قانون کیفر همگانی و آراء دیوانعالی کشور، ذیل ماده ۱۷۱)
- ۱۴- (محقق حلی، شرائع الاسلام ج ۴ ص ۱۹۶)
- ۱۵- (دکتر فرامرز گودرزی، دکتر مهرزاد کیانی، اصول طب قانونی و مسمومیت ها، ص ۹۵)
- ۱۶- (همان، ص ۹۶)
- ۱۷- (آراء شماره ۱۶۱۴/۱۸ و ۱۷۳۱/۲۵ و ۱۳۶۰ شعبه ۲ دیوانعالی کشور سالهای ۱۳۲۸-۲۹)
- ۱۸- (رای شماره ۱۶۳۲/۱۸ مورخ ۲۹/۲/۲۶ شعبه ۵ دیوانعالی کشور)
- ۱۹- (آراء شماره ۷۸۴ مورخ ۱۳۱۷/۳/۳۱ و ۵۵۸ سال ۱۳۱۸ شعبه دوم)
- ۲۰- (آیت اله فاضل، همان، ص ۱۸)
- ۲۱- (بل یکفی قصد ما هو سببیه معلومه عاده و ان ادعی الفاعل الجهل به، اذا لو سمعت دعواه بطلت اکثر الدماء، شیخ محمد حسن نجفی، همان، ج ۴۲ ص ۱۲)
- ۲۲- (آیت الله سید محمد حسن مرعشی، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۱۰۵)
- ۲۳- (شهید ثانی، مسالک الافهام ج ۱۵ ص ۶۹)

شد فردی با عصا دیگری را زد و این کار را آنقدر ادامه داد تا اینکه مضروب مرد آیا میتوان او را قصاص کرد، امام (ع) در پاسخ فرمودند بله ولی باید او را با یک ضربه گردن زد.^{۲۶} آنچه از این روایت استفاده می شود قتاله بودن «تکرار ضرب» است و آلت و موضع ضربه در آن اهمیتی ندارد.

بررسی فعل غالباً کُشنده و آلت قتاله در مذاهب اربعه اهل سنت^{۲۷}

در میان مذاهب اربعه اهل سنت مکاتب حنفی، شافعی و حنبلی معتقدند برای تحقق قتل عمدی قصد قتل ضروری است و هر نوع تعدی و انجام فعل عدوانی از ناحیه قاتل بدون قصد قتل مجنی علیه موجب اتصاف قتل به وصف عمدی نخواهد بود ولی در عین حال معتقدند آلت قتاله از این حیث اهمیت دارد که کسی که با آلت قتاله به دیگری ضربه وارد می نماید حتماً یا امکاناً مرگ مجنی علیه را پیش بینی می کرده است و این پیش بینی نوعی قصد قتل ضمنی است.

ولی برخلاف آنان ابن مالک معتقد است قصد قتل مجنی علیه با قصد فعل عدواناً نسبت به وی فرقی نمی کند و در هر دو مورد قتل عمدی است. از نظر وی قتل دو نوع بیشتر نیست عمد و خطا.

در تشخیص آلت قتاله در مکاتب اهل سنت سه نظر وجود دارد. مکتب مالکی که برای آلت قتاله هیچ قید و شرطی قائل نمی باشد و آنچه را که مهم می دانند قصد فعل عدوانی علیه مجنی علیه است. ولی مکاتب شافعی و حنبلی معتقدند اگر قصد قتل وجود نداشته باشد قتل زمانی عمدی است که آلت غالباً قتاله باشد و در تشخیص قتاله بودن باید زمان و مکان و شخصیت مجنی علیه را در نظر گرفت ولی حنفی ها معتقدند آلت مورد استفاده علاوه بر اینکه می بایست غالباً کُشنده باشد باید جهت قتل نیز آماده شده باشد یعنی آلت قتاله ذاتی باشد. با این اوصاف نظرات مکاتب شافعی و حنبلی به فقه امامیه نزدیک است.

در پاسخ به این سؤال نظر دیگری هم مطرح شده است برخی فقها و حقوقدانان از جمله آیت اله مرعشی شوشتری معتقدند در بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی قانونگذار آگاهی را فرض کرده است زیرا عمل نوعاً کُشنده است بنابراین اصل بر آگاهی متهم است مگر آنکه متهم بتواند عدم اطلاع خود را به اثبات برساند که در اینصورت قتل شبه عمد خواهد بود. پس اگر دادگاه احراز نماید که ضارب نسبت به حساس بودن موضع اطلاعی نداشته می توان قتل را شبه عمد دانست. البته ایشان هم مطابق قول صاحب جواهر^{۲۱} ادعای جهل به تنهایی را کافی نمی دانند زیرا این امر سبب هدر رفتن بسیاری خونها می شود.^{۲۲}

۳- آلت قتاله بخاطر وضعیت مجنی علیه: مثل اینکه نوزادی را بر زمین بزنند. به زمین زدن نوعاً کُشنده نیست ولی بخاطر وضعیت خاص نوزاد، قتاله محسوب می شود یا ترساندن فردی که بیماری قلبی دارد.

برخلاف حالت قبل که اصل بر اطلاع متهم از قتاله بودن آلت (یا حساسیت موضع) است در این مورد می بایست علم متهم از وضعیت خاص مجنی علیه به اثبات برسد و گرنه قتل شبه عمد خواهد بود. البته در مورد وضعیتهای خاص آشکار مثل پیری یا کودکی نیازی به اثبات علم متهم وجود ندارد.

۴- سه نوع اول آلت قتاله که مورد اشاره قرار گرفت در آثار همه حقوقدانان به چشم می خورد ولی با دقت در منابع فقهی می توان نوع چهارمی هم برای آلت قتاله در نظر گرفت و آن «قتاله بودن بخاطر تکرار ضرب» است. در آثار عمده فقها^{۲۳} مثالی بدین مضمون وجود دارد که اگر کسی را آنقدر با شلاق (عصا) بزنند تا بمیرد قتل عمدی است. در این مثال قصد قتل مطرح نیست و در حقیقت با تکرار ضربه آلت قتاله خواهد بود.

می بایست این نکته را متذکر شد که صرف تعداد ضربات را نمی توان دلیل قصد تلقی کرد^{۲۴} بنابراین همانگونه که آیت اله مرعشی شوشتری در تحلیل این مثال عنوان نموده اند: «ادامه ضرب نوعاً کُشنده بوده است و قتل مذکور عمد تلقی می شود و در این مورد فرقی نیست بین آنکه آلت ضرب نوعاً کُشنده باشد و یا موضع حساس باشد و یا هر دو»^{۲۵} و باید اضافه کرد و یا هیچکدام. یعنی اگر نه آلت قتاله باشد و نه موضع حساس باز هم ادامه ضرب میتواند نوعاً کُشنده باشد.

مبانی این نظر روایتی است که از امام صادق (ع) نقل شده است. از حضرت (ع) سؤال

– شهید ثانی و شهید اول، الروضه البهیة فی شرح العمه الدمشقیه، کتاب القصاص ص ۵۳۳ مباحث حقوقی انتشارات مجد؛ – شیخ محمد حسن نجفی جواهر الکلام ۴۲ ص ۲۲ – آیت الله فاضل، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله ص ۱۸ – علامه مجلسی، حدود، قصاص، دیات، ترجمه علی فاضل، ص ۶۸ – محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۴ ص ۱۹۶)

۲۴ – (شهید ثانی، مسالک الافهام ج ۱۵ ص ۶۹

– شهید ثانی و شهید اول، الروضه البهیة فی شرح العمه الدمشقیه، کتاب القصاص ص ۵۳۳ مباحث حقوقی انتشارات مجد؛ – شیخ محمد حسن نجفی جواهر الکلام ۴۲ ص ۲۲ – آیت الله فاضل، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله ص ۱۸ – علامه مجلسی، حدود، قصاص، دیات، ترجمه علی فاضل، ص ۶۸ – محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۴ ص ۱۹۶)

۲۵ – (آیت اله سید محمد حسن مرعشی، همان، ص ۱۰۴)

۲۶ – به نقل از تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، ص ۱۸

۲۷ – (حجت ذاکری، همان، ص ۱۵۰)

□ منابع

۱ – احمدی جویباری، مهدی، جرم قتل و کیفر قصاص

۲ – امین پور، محمد تقی، قانون کیفر همگانی و آراء دیوانعالی کشور

۳ – بازگیر، یداله، قانون مجازات اسلامی در آئینه آراء دیوانعالی کشور

۴ – الجبعی العاملی، زین الدین (شهید ثانی) الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه

۵ – مسالک الافهام

۶ – ذاکری، حجت اله، بررسی و تحلیل قتل عمد و مجازات آن در اسلام، رساله دکتری

۷ – سپهوند، دکتر امیرخان، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی ۱، نیمسال دوم تحصیلی ۸۳ – ۸۲

۸ – شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق جزای اختصاصی ج ۱

۹ – صادقی، دکتر محمد هادی، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)

۱۰ – فاضل موحد لنگرانی، آیت، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، کتاب القصاص

۱۱ – گودرزی، دکتر فرامرز – کیانی، دکتر مهرزاد، اصول طب قانونی و مسمومیت ها

۱۲ – علامه مجلسی، حدود قصاص، دیات، ترجمه علی فاضل

۱۳ – محقق حلی، شرائع الاسلام

۱۴ – مرعشی شوشتری، آیت الله سید محمد حسن



اساتید گرانقدر

جناب آقای دکتر سید حسین صفایی

جناب آقای دکتر ناصر کاتوزیان

جناب آقای دکتر جمشید ممتاز

جناب آقای دکتر سید محمد هاشمی

اعطای نشان دولتی از سوی رئیس جمهور براساس اصل ۱۲۹ قانون اساسی به شما مایه افتخار جامعه حقوقی کشور است. نشریه گواه ضمن تبریک این موفقیت، توفیقات روز افزون شما را از خداوند متعال خواستار است.